

سطح ایمان

هر روز از سطوح جامعه مطالبی میشنویم - موضوع اصلی بحث جراید تشریح اقداماتیست که دولت برای بالا بردن سطح زندگی مردم بعمل می آورد - مقالاتی درباره سطح هزینه - سطح درآمد - سطح فرهنگ - سطح بهداشت و غیره ستونهای روزنامهها را پر کرده است ولی آنچه که هرگز نشنیده اید و یا توجهی بآن نمی شود مورد بحث امروز ماست .

اصلاح سطح ایمان یا سطح دیانت بگوش مردم غیر مانوس است و به اهمیت آن واقف نیستند در حالیکه کارشناسان اقتصادی - اجتماعی و آموزشی تلاش خود را برای ترقی سطوح مختلف پیش گفته روز افزون می کنند - کوشش می کنند که رشد اقتصادی سال بسال بیشتر شود - درآمد سرانه افزایش یابد رشد جمعیت کاسته و بی سوادی ریشه کن گردد - صادرات بر واردات فزونی گیرد - امراض ساریه پیش گیری شود - شهرها نوسازی شده و فضای سبز بیشتر برای اهالی آماده گردد جادهها اسفالت شود - برق و آب تصفیه شده در دسترس همگان قرار گیرد و بطور خلاصه سعی مسئولین امور مصروف بهبود وضع عمومی کشور و ترقی سطح زندگی

۱- اکثر مردم حتی برخی از نویسندگان مقالات جراید دو موضوع (سطح زندگی و سطح هزینه) را با یکدیگر اشتباه می کنند و مثلاً بجای اینکه بگویند سطح هزینهها روز بروز افزایش می یابد میگوید سطح زندگی مردم مرتباً بالا میرود در حالیکه افزایش سطح زندگی هدف مصلحین جامعه و بسیار مطلوب است و در مقابل افزایش غیر متناسب سطح هزینهها هیچوجه مطلوب نیست و این دو موضوع کاملاً مخالف یکدیگرند .

مردم میگردد و از تمام قدرت و امکانات مملکت استفاده می کنند تا افراد جامعه از آسودگی بیشتر برخوردار شوند - مثلا در مورد طبقات کارگر و کشاورز هدف از دیاد قوه خریدایشان است تا بتوانند علاوه بر تأمین پوشاک و غذای مکفی و مسکن متناسب موفق به تهیه لوازم ضروری از قبیل - یخچال و جاروبرقی - تلویزیون و رادیو - فرش و اثاثیه و غیره بشوند و خلاصه زندگی مرفه و آسوده ای داشته باشند البته در این حال میتوان گفت سطح زندگی ایشان ترقی کرده است یعنی با استفاده از دستمزد عادلانه که بایشان داده شده است توانسته اند علاوه بر تأمین حوائج اولیه زندگی خانواده خود را با استفاده از وسایل لوکس و تجملی مرفه تر نموده و حد فاصل طبقاتی را کمتر نمایند .

یا اذعان باینکه اقداماتی که منتج به آسودگی بیشتر مردم و تقریب طبقاتی میشود کاملا مملوح و متحسن است نمیتوان از ذکر این سؤال خودداری نمود : آیا فقط با تکمیل وسایل مادی سعادت و آسایش واقعی خانواده ها تأمین میشود ؟ و آیا این فقط یخچال و تلویزیون است که نیازمندی ایشان را تشکیل میدهد ؟ اگر اینطور است پس چرا همه جوامع متمدن از ناسامانی خود مینالند چرا دردهای بیدرمانی کشورهای متمدن و باصطلاح کاملا پیشرفته را رنجور و علیل کرده است ؟ چرا از عصیان نسل جوان شکایت می کنند مگر نسل جوان چه کم دارد که عاصی شده است آیا جاروی برقی ندارد و یا رادیو و تلویزیون میخواهد ؟ البته نه ! زیرا بطوریکه همه روزه در جراید میخوانیم بیشتر هیپی ها و عاصیان آمریکا و اروپا فرزندان خانواده های ثروتمند و مستغنی هستند که از کثرت تنعم و راحتی به تنگ آمده اند .

و چرا دردنیای متمدن نیاز به پاسبان و ژاندارم روز افزون شده است و با وجود اینکه سطح فرهنگ بمنتها درجه صعود خود رسیده است و دیگر حتی يك درصد بیسواد هم در اغلب این کشورها وجود ندارد چرا روز بروز آمار دزدی و جنایت قوس صعودی را طی می کند - آیا افراد تحصیل کرده این کشورها میدانند این اعمال برخلاف قوانین و نوامیس اجتماع است و یا اینکه میدانند و بمصداق چو

دزدی با چراغ آید گزیده تر بود کالاً - تکنیک جنایات خود را مجهز تر کرده
و نقشه‌های خیانت و جنایت را ماهرانه تر طرح می‌کنند .

و چرا این ممالک پیشرو که حتی کرات سماوی را نیز بقدرت علوم و محاسبات
ریاضی تحت سیطره خود در آورده‌اند و حشیانه‌ترین اعمال را نسبت ببرادران خود
مرتکب میشوند بطوریکه روی آدمخواران آفریقائی قدیم را سفید کرده‌اند - تمام
کشتاریکه بنام خونخواران در تاریخ ضبط شده است و جمع کشتاریکه چنگیز و
تیمور و امثال آنها کرده‌اند به تلفات يك بمب دنیای متمدن امروز نمیرسد و هرگز
در دورانی گذشته کشورهای کوچک مانند امروز بدلیل تجاوز همه‌جانبه کشورهای
دانشمندان کنونی در رنج و تعب نبوده‌اند .

میگویند تیمور در خراسان و اصفهان منارهائی از سر دشمنان خود ساخت
و تعداد مقتولین بعضی از کشورها به‌سی تا هفتاد هزار رسید و بهمین دلیل بزرگترین
خونخوار تاریخ لقب گرفت ولی کجا هستند تاریخ‌نویسان آن زمان که بیایند و جنایات
بشر متمدن قرن بیستم را آمارگیری نمایند تا به بینند که درد جنگ عالمگیر بیش از
بیست میلیون نفر بقتل رسیده‌اند و در جنگهای پراکنده کنونی دنیا سالانه بیش از
چند برابر تمام کشتارهای فجیع تیمور بخاک و خون کشیده میشوند - آیا بشر متمدن
و عالم و پیشرفته امروز نمیداند که برادر کشی و چپاول ثروت ملل کاری زشت و
ناشایست است - یا میداند و جلوی اغراض خود را نمیگیرد؟ آیا همان توحش
سابق بر این تمدن برتری نداشت؟

به این چراها و هزاران چرای دیگر که آنها از حوصله مقاله ما خارج است
چه پاسخی میتوان داد؟ وقتی یکی از افراد مرتکب جنایتی میشود بلافاصله او را
پزشک روانشناس معرفی میکنند تا با بررسی وضع روحی او علت ارتکاب جنایت
را کشف نماید و بعبارت دیگر به عقیده دانشمندان جامعه شناسی ارتکاب هرگونه
عمل خلاف حاکی از عقده روانی و بیماری روحی است ولی آیا آنانکه مسؤل
کشتارهای فجیع عصر حاضر هستند - جنگها بپا می‌کنند - ملت‌ها را استثمار مینمایند

هرگز مورد معاینه روانی قرار میگیرند ؟

اگر هم چنین جسارتی در علم روانشناسی پیدا شود که دست باین معاینه خطرناک بزند گمان نمیرود موفق بکشف علت اساسی این اعمال خلاف انسانیت بشود - کشف علت و طریق معالجه این مرض و سایر امراض پیش گفته فقط و فقط يك راه دارد و بس و آن همانست که مورد بحث امروز ماست .

راه پیشنهادی ما و عموم مسلمانان معتقد جهان برای حفظ و صلح و بقای انسانیت در این جمله خلاصه جلب توجه جوامع بشری باصطلاح متمدن امروزی بحقایق دین و گسترش تعلیمات و تبلیغات صحیح مذهبی برای آگاهی عمومی نسل جوان و تقویت نیروی ایمان ایشان میباشد . و در همین رابطه اهمیت آنچنانچه که در وضع حاضر بعنوان چرخ پنجم تلقی شده و بآن اهمیتی داده نمیشود یعنی مسئله دیانت حلال تمام مشکلات عصر کنونی است - اگر جوانان عاصی شده اند بهمین دلیل است که هدف و پناهی برای خود نمی یابند از یکسو آسایش زندگی مادی ایشانرا خسته کرده است و از سوی دیگر همیشه خود را در خطر جنگهای مصنوعی و کشتارهای بیدلیل می بینند - سطح فرهنگ کشورها هم آنقدر بالا آمده که دیگر پنهان کردن حقایق امکان ندارد - همه می فهمند و کتمان هم نمی کنند که می فهمند .

انقلابات نژادی اعتصابها - دموستراسیون هائی که علیه جنگها تشکیل میشود - کتبی که هر روز توسط فلاسفه و دانشمندان منتشر میشود همه و همه مویذ این فهم و درك عمومی است که ایجاد حس لایبالگیری و بی اعتنائی به سنتها در ذهن مردم آزاده جهان نتیجه قهری آن است زیرا در این جهان که آزادی سرلوحه قوانین اساسی کشورهاست از طرفی مردم جهان حس میکنند که مالک برسر نوشت خود نیستند و چون بردگان باید باثیجه دستهای مرموز و تعرض باشند و از طرف دیگر هدف و ملجائی مانند دین را نیز از دست داده اند و اعتقادی بآن ندارند تا نقطه اتکاء و پناهگاهی داشته باشند و لذا ناگزیرند که روحیه صوفی منشی و بی بند و باری را قبول کنند تا به عقیده خودشان دم را غنیمت شمارند بهر نوع پستی تن

